

گزارش

جنگ روایت‌ها

۵۳۰امیه از صفحه ۲

در همین راستا، جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد دولت ترامپ هنوز متن یادداشت تفاهم را منتشر نکرده است، زیرا برخی میانی‌ها، از جمله پاکستان و قطر، از واشینگتن خواسته‌اند این اقدام با «تیبیب» و «زمان‌بندی» مناسبی انجام شود. ونس با اشاره به ملاحظات سیاسی و منطقه‌ای افزود حساسیت‌هایی در جهان عرب و جهان اسلام وجود دارد و آمریکا تلاش می‌کند در انتشار جزئیات توافق، این ملاحظات را مدنظر قرار دهد تا روند شکل‌گرفته با چالش‌های زود هنگام مواجه نشود.

هم‌زمان، کانال ۱۳ اسرائیل گزارش داد واشینگتن جزئیات تفاهم با ایران را حتی از اسرائیل نیز پنهان نگه داشته است. بر اساس این گزارش، دولت آمریکا نگران است تل‌آویو با افساهی مفاد توافق، کارزاری رسانه‌ای علیه آن به راه اندازد و روند اجرای تفاهم را با مانع روبه‌رو کند. همچنین یک مقام ارشد اسرائیلی نیز از وجود «بحران اعتماد» میان دو طرف خبر داده است. این گزارش همچنین به نگرانی‌های امنیتی اسرائیل اشاره می‌کند. بر اساس این روایت، مقامات نظامی اسرائیل بیم آن دارند که امضای توافق، این رژیم را ناچار به عقب‌نشینی کامل از جنوب لبنان تا مرزهای بین‌المللی کند؛ موضوعی که فراتر از وضعیت فعلی است و ارتش اسرائیل آمادگی لازم برای اجرای آن را ندارد. به همین دلیل، گزارش‌ها از سردرگمی و بلاکلیفی در میان فرماندهان و نیروهای نظامی این رژیم حکایت دارد. در مقابل، دونالد ترامپ از انتشار متن تفاهم در آینده نزدیک خبر داد و مدعی شده: «نه‌تنها آن را منتشر می‌کنم، بلکه احتمالا یک نشست خبری برگزار خواهد کرد و متن آن را کلمه‌به‌کلمه می‌خوانم تا رسانه‌ها آن را به‌درستی پوشش دهند». رئیس‌جمهور آمریکا این تفاهم را «سندی بسیار مهم» توصیف کرد. ترامپ همچنین تأکید کرد از نگاه او، محور اصلی این تفاهم جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است و سایر موضوعات در اولویت بعدی قرار دارند. او افزود توافق را برای بررسی به کنگره آمریکا ارسال خواهد کرد و مدعی شد روابط تهران و واشینگتن اکنون وارد مرحله‌ای عادی‌تر شده است؛ اظهاراتی که نشان می‌دهد کاخ سفید در تلاش است ضمن حفظ محرمانگی مقطعی مفاد تفاهم، زمینه را برای مدیریت سیاسی و حقوقی آن در داخل آمریکا نیز فراهم کند.

بازار داغ گمانه‌زنی درباره متن تفاهم ایران و آمریکا، روایت‌های متفاوت از یک توافق‌منتشرنشده

درحالی‌که دولت آمریکا همچنان از انتشار رسمی متن یادداشت تفاهم با ایران خودداری می‌کند و مقام‌های دو کشور نیز ترجیح داده‌اند درباره جزئیات این سند سکوت اختیار کنند، فضای رسانه‌ای بیش از هر زمان دیگری مملو از گمانه‌زنی‌ها و انتشار متن‌های منتسب به این تفاهم‌نامه شده است. به نظر می‌رسد خلا اطلاع‌رسانی رسمی، زمینه را برای رقابت رسانه‌ها در انتشار نسخه‌های ادعایی از توافق فراهم کرده است. به‌گونه‌ای که هر رسانه مدعی است به متن یا پیش‌نویس نهایی تفاهم دست یافته است. در تهران نیز تاکنون هیچ مقام رسمی جزئیات این سند را تأیید یا منتشر نکرده و موضع رسمی همچنان بر پرهیز از اظهارنظر درباره محتوای مذاکرات است. با این حال، طی روزهای اخیر چند رسانه منطقه‌ای و بین‌المللی متن‌هایی را منتشر کرده‌اند که اگرچه در کلیات شباهت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند، اما در برخی بندهای مهم تفاوت‌های معناداری نیز میان آنها دیده می‌شود.

ایگانه خبری بلومبرگ در گزارشی، متنی را به عنوان یادداشت تفاهم پایان جنگ میان ایران و آمریکا منتشر کرد که شباهت زیادی با نسخه منتشرشده از سوی العربیه انگلیسی دارد. این متن بر اعلام پایان فوری جنگ، تعهد متقابل تهران و واشینگتن به خودداری از اقدامات خصمانه، آغاز مذاکرات برای توافق نهایی طرف ۶۰، روز لغو محاصره دریایی ایران، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، رفع تدریجی تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران و تأکید دوباره تهران بر عدم تولید سلاح هسته‌ای استوار است.

در مقابل، العربیه انگلیسی نسخه‌ای مفصل‌تر و ۱۴آماده‌ای منتشر کرده که علاوه بر موارد فوق، جزئیات بیشتری درباره سازوکار اجرای توافق ارائه می‌دهد. در این نسخه، آمریکا متعهد می‌شود برنامه‌ای برای بازسازی اقتصاد ایران با حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و تأمین مالی تدوین کند، تمامی تحریم‌های اولیه، ثانویه و حتی تحریم‌های مرتبط با قطع‌نامه‌های شورای امنیت و شورای حکام آژانس را در چارچوب توافق نهایی لغو کند و وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز بلافاصله معافیت‌های برای صادرات نفت، محصولات پتروشیمی، خدمات بانکی، بیمه و حمل‌ونقل ایران صادر کند. همچنین ایجاد سازوکار مشترک برای نظارت بر اجرای توافق و تصویب توافق نهایی در قالب قطع‌نامه الزام‌آور شورای امنیت از دیگر بندهای این روایت است.

تایپانک نیز متن دیگری را منتشر کرده و مدعی شده نسخه نهایی تفاهم‌نامه در اختیار این رسانه قرار گرفته است. بررسی این متن نشان می‌دهد در بخش مفاد، شباهت بسیار زیادی با نسخه العربیه دارد؛ از پایان جنگ و احترام به حاکمیت دو کشور گرفته تا جدول زمانی ۶۰روزه مذاکرات، رفع محاصره دریایی، خروج نیروهای آمریکایی، لغو تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های ایران و تصویب توافق در شورای امنیت. تفاوت‌ها عمدتاً در نحوه نگارش، برخی واژگان حقوقی و ترتیب مواد دیده می‌شود و از منظر محتوایی اختلاف چشمگیری میان دو روایت وجود ندارد. در این میان، خبرگزاری مهر نیز با استناد به منبعی نزدیک به تیم مذاکره‌کننده ایرانی، جزئیات دیگری از پیش‌نویس ۱۴آماده‌ای منتشر کرده که در برخی بندها با روایت‌های پیشین تفاوت دارد. مهم‌ترین تفاوت این نسخه، اشاره به آزادسازی ۲۴ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در دوره مذاکرات است؛ موضوعی که در نسخه‌های بلومبرگ، العربیه و تایپانک فقط به آزادسازی کلی دارایی‌ها اشاره شده و رقم مشخصی ذکر نشده است. همچنین مهر تصریح می‌کند بحث درباره برنامه موشکی ایران و حمایت از گروه‌های مقاومت به‌طور کامل از دستور مذاکرات خارج شده و توافق نهایی صرفاً بر موضوعات هسته‌ای، لغو تحریم‌ها، سرنوشت مواد غنی‌شده و برنامه بازسازی اقتصادی متمرکز خواهد بود؛ نکته‌ای که در دیگر نسخه‌های منتشرشده با این صراحت دیده نمی‌شود.

با وجود این تفاوت‌ها، مقایسه روایت‌های منتشرشده نشان می‌دهد تقریباً همه آنها بر چند محور مشترک تأکید دارند؛ از جمله توقف فوری جنگ، آغاز مذاکرات برای توافق نهایی در بازه‌ای ۶۰روزه، خودداری طرفین از اقدامات خصمانه، رفع محدودیت‌های دریایی، کاهش فشارهای تحریمی، آزادسازی دارایی‌های ایران، تکرار تعهد تهران مبنی بر عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای و تصویب توافق نهایی در شورای امنیت سازمان ملل. در مقابل، اختلاف اصلی میان این روایت‌ها بیشتر به سطح جزئیات، زمان‌بندی اجرای تعهدات، میزان امتیازات اقتصادی، رقم منابع مالی آزادشده یا سرمایه‌گذاری وعده داده‌شده و دامنه موضوعات مذاکرات نهایی بازمی‌گردد. همین تفاوت‌ها باعث شده است هیچ‌یک از این متون تاکنون به عنوان نسخه قطعی یا نهایی تفاهم‌نامه مورد تأیید قرار نگیرد.

در بخش پایانی گفت‌وگو، این نماینده برای توضیح نگاه خود به یک داستان اشاره کرد: فرد کشاورزی در اردستان در حال کار با بیل بود که روحانی‌ای به او گفت هنگام هر ضربه بزن بگوید. کشاورز مدتی این کار را انجام داد، اما خسته شد و از روحانی خواست کمک کند. روحانی بیل را گرفت اما پس از مدتی او نیز خسته شد. مذاکره نیز مانند کار با بیل است؛ اگر صرفاً این‌دولوپیک به آن نگاه شود و واقعیت سختی کار و ضرورت امتیازدهی در نظر گرفته نشود، نتیجه حاصل نمی‌شود.

عضو کمیسیون امنیت ملی در پایان گفت‌هرچند امید قطعی به صلح ندارد، اما به تفاهم امیدوار است. او تأکید کرد: مردم ایران شایسته زندگی آرام هستند و ادامه وضعیت تنش‌زا در چهار دهه گذشته به نفع کشور نبوده است. امیدوارم این روند به سمت زندگی آرام‌تر، کاهش تنش و بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی کشور حرکت کند.

پاک‌آیین: بعید می‌دانم به ترک تخاصم با آمریکا برسیم

درحالی‌که بحث از «تفاهم احتمالی ایران و آمریکا» بار دیگر به صدر تحلیل‌های سیاسی بازگشته، محسن پاک‌آیین، سفیر سابق ایران، مسیری که به گفته او، با وجود بی‌اعتمادی عمیق و اختلافات راهبردی، همچنان در حال‌های از ابهام و دشواری قرار دارد. پاک‌آیین گفت: این تفاهم اساساً دو مرحله دارد؛ در مرحله نخست، موضوع اصلی توقف جنگ است، به‌گونه‌ای که نه‌تنها درگیری‌ها متوقف شود، بلکه محاصره‌های دریایی و برخی اقدامات نظامی از جمله حملات مرتبط با رژیم صهیونیستی به حزب‌الله نیز پایان یابد و وضعیت جنگی به‌طورکامل برچیده شود. او تأکید کرد آتش‌بس نباید صرفاً شکلی باشد، بلکه باید به معنای واقعی پایان وضعیت جنگی باشد. به گفته او، پس از تحقق این مرحله، وارد مرحله دوم یعنی یک بازه زمانی ۶۰روزه برای مذاکره در سر مسائل اصلی می‌شوند. ایران و آمریکا همچنان در وضعیت بی‌اعتمادی عمیق قرار دارند. او تأکید کرد آمریکا به عنوان یک دشمن راهبردی برای ایران تعریف نمی‌شود و اختلافات دو طرف سابقه‌ای طولانی دارد.

او افزود: در بالاترین سطح این تنش‌ها، حتی اقداماتی مانند ترور رهبر انقلاب نیز در حاشیه تاریخی روابط وجود دارد و همین موضوع باعث شده ایران به‌طور طبیعی اعتماد راهبردی به آمریکا نداشته باشد و در شرایط بی‌اعتمادی وارد مذاکره شود. با وجود این بی‌اعتمادی، تجربه تاریخی از پایبندی آمریکا به تعهدات نیز در محاسبات ایران لحاظ می‌شود. مرحله دوم مذاکرات به‌مراتب دشوارتر خواهد بود و در حال حاضر نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی از نتیجه آن داشت. این دیپلمات باسابقه در ادامه گفت: در مرحله دوم، هدف اصلی لغو تحریم‌های ظالمانه علیه ایران و تثبیت حقوق کشور در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. اگر این مسیر به‌درستی پیش برود، می‌توان درباره آینده با دقت بیشتری صحبت کرد، اما در حال حاضر این مرحله بسیار حساس و دشوار است.

در ادامه این گفت‌وگو این پرسش مطرح شد که آیا پس از ۴۸ سال می‌توان به «ترک تخاصم» میان ایران و آمریکا رسید یا خیر که او در پاسخ گفت بسیار بعید می‌داند دو کشور به مرحله ترک تخاصم برسند. او توضیح داد: تخاصم میان دو کشور می‌تواند در قالب مذاکره مدیریت و در برخی حوزه‌ها به تفاهم منجر شود، اما پایان کامل خصومت از نظر او بعید است. سفیر سابق ایران در آذربایجان با اشاره به نقش لابی‌های سیاسی در آمریکا و همچنین نگاه مشترک دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات گفت: هر دو جریان سیاسی در آمریکا در تلاش هستند از تبدیل ایران به یک الگو و ممناعت ایس‌یرفتن آن جلوگیری کنند و همین موضوع احتمال ترک کامل خصومت را کاهش می‌دهد. با این حال ممکن است در برخی حوزه‌ها بتوان گام‌هایی به جلو برداشت، اما رسیدن به سطحی از پایان کامل تخاصم بسیار بعید است. این سفیر سابق در ادامه تأکید کرد: مرحله کنونی بسیار حساس است و ایران نیازمند وحدت و انسجام ملی، هماهنگی میان مسئولان ارشد نظام در حوزه‌های نظامی و سیاسی و یکپارچگی داخلی است. فقط در چنین شرایطی است که کشور می‌تواند با قدرت چانه‌زنی بیشتری وارد مذاکرات شود و امتیازات بیشتری کسب کند. در ادامه

این گفت‌وگو این پرسش مطرح شد که نقش افراد در روند مذاکرات تا چه اندازه تعیین‌کننده است و آیا حضور چهره‌هایی مانند محمدباقر قالیباف در این دوره باعث جدی‌تر شدن روند مذاکرات شده است یا خیر که پاک‌آیین در پاسخ گفت: قطعاً تبحر و مهارت مذاکره‌کننده در روند مذاکرات تأثیرگذار است، اما مذاکره‌کننده موظف است در چارچوب تعیین‌شده از سوی امنیت ملی حرکت و حقوق ملت را بیکبری کند. او افزود: نقش فردی مذاکره‌کنندگان مهم است، اما این نقش در حوزه تنگه هرمز، فشار قابل توجه بر اقتصاد منطقه وارد کرده و هم‌زمان ریسک افزایش قیمت جهانی نفت را تشدید می‌کرد. در نتیجه، طرفین به‌تدریج تحت فشار واقعیت‌های میدانی ناگزیر شدن مواضع خود را به یکدیگر نزدیک کرده و در مطالبات و شروط خود بازنگری‌هایی اعمال کنند.

این تحلیلگر در پاسخ به پرسشی درباره تغییر رویکرد ایران در این دور از مذاکرات گفت: این موضوع به تعریف ما از «تغییر رویکرد» بستگی دارد. اگر منظور تغییر در ابزارها، تاکتیک‌ها یا پذیرش اصل مذاکره باشد، می‌توان از نوعی تجدیدنظر سخن گفت، اما اگر منظور تغییر در جهت‌گیری‌های بنیادین باشد، چنین تغییری قابل مشاهده نیست. این تفاهم شد یا خیر. او در پاسخ تأکید

کرد: ایجاد دوگانگی میان این افراد کار درستی نیست. به گفته او، هر دو در یک چارچوب و یک تیم فعالیت می‌کنند؛ مشابه یک تیم فوتبال که همه اعضای آن برای یک هدف مشترک تلاش می‌کنند. هر دو عضو یک گروه هستند، منتخب شورای عالی امنیت ملی‌اند و در چارچوب واحدی برای منافع کشور مذاکره می‌کنند. بنابراین نباید میان آنها تقابل یا دوگانگی ایجاد کرد.

غلامرضا حداد: گامی مثبت در راستای تثبیت آتش‌بس

در شرایطی که فضای سیاسی منطقه در آستانه یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تنش‌زدایی و عین‌حال بی‌اعتمادی متقابل میان ایران و آمریکا قرار گرفته، غلامرضا حداد، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، در گفت‌وگو با «شرق»، با تفکیک مراحل شکل‌گیری «تفاهم موقت» از مسیر یک توافق پایدار، تأکید می‌کند آنچه در حال شکل‌گیری است، بیش از آنکه یک تحول راهبردی نهایی باشد، نتیجه اجبارهای امنیتی، محاسبات هزینه‌فایده و تلاش دو طرف برای مدیریت یک وضعیت جنگی فرسایشی است؛ مسیری که به باور او اگرچه می‌تواند به کاهش تنش منجر شود، اما هنوز فاصله معناداری تا یک توافق پایدار و تغییر ساختاری در روابط دو طرف دارد.

حداد گفت: با این حال، رسیدن به یک متن نهایی در چارچوب منازعه موجود میان دو طرف می‌تواند به عنوان گامی مثبت برای تثبیت آتش‌بس تلقی شود. در آغاز روند مذاکرات، نه‌تنها سطح بالایی از بی‌اعتمادی میان طرفین وجود داشت، بلکه در طول این دوره نیز علی‌رغم تمایل به جلوگیری از شکست آتش‌بس، دو طرف بارها اقدام به حملات نظامی محدود علیه یکدیگر کردند. این تحلیلگر سیاسی افزود: در ابتدای مذاکرات، دو طرف با «منوهای کاملاً متفاوت» وارد گفت‌وگو شدند؛ به این معنا که حتی درباره موضوعات قابل مذاکره و خطوط قرمز، اختلافات جدی و بنیادین وجود داشت. پرسش اساسی این است که چه عواملی دو طرف را به سمت شکل‌گیری یک تفاهم اولیه سوق داده است.

او تصریح کرد: برای پاسخ به این پرسش، باید ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از پیامدها و دستاوردهای جنگ میان طرفین ارائه داد. مرور دیدگاه کارشناسان آمریکایی نشان می‌دهد نوعی اجماع نسبی وجود دارد مبنی بر اینکه اگرچه در سطح تاکتیکی برخی اهداف نظامی محقق شده، اما ایالات متحده در تبدیل این موفقیت‌ها به دستاورد راهبردی ناکام مانده است. این استاد دانشگاه ادامه داد: در واقع معیار سنجش موفقیت در جنگ، تحقق اهداف استراتژیک است نه میزان تخریب یا خسارت. اهداف اعلامی و غیررسمی آمریکا از نابودی ظرفیت هسته‌ای تا تغییر نظام سیاسی را شامل می‌شد، اما در سطح راهبردی، این اهداف به‌طور کامل محقق نشده‌اند.

او تصریح کرد: در چارچوب تحولات ساختاری نظام بین‌الملل، منطق رفتاری ایالات متحده طی سال‌های اخیر نشان‌دهنده حرکت از نقش یک هژمون مداخله‌گر به سمت تمرکز بر رقابت‌های کلان، به‌ویژه در شرق آسیا و مها چین است. بر همین اساس، آمریکا تمایل ندارد در مناطقی که منافع مستقیم و حیاتی ندارد، هزینه‌های امنیتی سنگین متحمل شود. با این حال، محدودیت‌های سیاسی داخلی از جمله نقش لابی‌های تأثیرگذار، مانع از خروج کامل و بدون حل مسئله امنیت اسرائیل از منطقه شده است. مجموعه‌ای از عوامل از جمله تحولات پس از ۷ اکتبر و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی، زمینه ورود به یک منازعه با هدف مدیریت تهدیدات امنیتی اسرائیل را فراهم کرد. از نگاه طرف غربی، مؤلفه‌های تهدید شامل ظرفیت هسته‌ای، توان موشکی و پهپادی و همچنین نیروهای نیابتی در منطقه بوده است. بر این اساس، هدف اصلی یا تغییر رفتار راهبردی جمهوری اسلامی یا مهار این ظرفیت‌های تهدیدزا از طریق ابزار نظامی بوده است.

حداد درباره اینکه با وجود بترزی تاکتیکی در برخی مقاطع، آمریکا و اسرائیل موفق به تحقق اهداف استراتژیک خود نشدند، گفت: در مقابل، دامنه تهدیدها از سطح منطقه‌ای به حوزه‌های حساس‌تری مانند تنگه هرمز و امنیت انرژی نیز گسترش یافت. در نتیجه، موضوع از یک تقابل نظامی صرف به مسئله امنیتی گسترده‌تری در سطح بین‌المللی تبدیل شد. در چنین شرایطی، یادداشت معضات موجود تلاشی برای تبدیل دستاوردهای میدانی به دستاوردهای سیاسی و راهبردی ارزیابی می‌شود. هدف آمریکا از این روند، بهره‌برداری سیاسی از نتایج جنگ و تثبیت آن در قالب یک دستاورد قابل ارائه است.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که چرا مذاکرات پیشین به نتیجه نرسید، اما این دور از گفت‌وگوها به تفاهم منجر شده است، اظهار داشت: از جزئیات دقیق مذاکرات اطلاع مستقیمی در دست نیست، اما می‌توان تصویر کلی ارائه داد. هر دو طرف آتش‌بس را پذیرفتند زیرا ادامه درگیری نظامی صرفاً به افزایش هزینه‌ها و تخریب بیشتر منجر می‌شد، بدون آنکه دستاورد مشخصی ایجاد کند. او تصریح کرد: در عین حال، ادامه وضعیت آتش‌بس شکننده و بن‌بست موجود نیز هزینه‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را به‌صورت تصاعدی افزایش می‌داد. محدودیت‌های تجاری و تنش در حوزه تنگه هرمز، فشار قابل توجه بر اقتصاد منطقه وارد کرده و هم‌زمان ریسک افزایش قیمت جهانی نفت را تشدید می‌کرد. در نتیجه، طرفین به‌تدریج تحت فشار واقعیت‌های میدانی ناگزیر شدن مواضع خود را به یکدیگر نزدیک کرده و در مطالبات و شروط خود بازنگری‌هایی اعمال کنند. این تحلیلگر در پاسخ به پرسشی درباره تغییر رویکرد ایران در این دور از مذاکرات گفت: این موضوع به تعریف ما از «تغییر رویکرد» بستگی دارد. اگر منظور تغییر در ابزارها، تاکتیک‌ها یا پذیرش اصل مذاکره باشد، می‌توان از نوعی تجدیدنظر سخن گفت، اما اگر منظور تغییر در جهت‌گیری‌های بنیادین باشد، چنین تغییری قابل مشاهده نیست. این تفاهم

نه به دلیل مطلوب بودن شرایط، بلکه به دلیل عدم امکان ادامه وضعیت پیشین شکل گرفته است. او ادامه داد: به بیان دیگر، این توافق نه یک انتخاب مطلوب، بلکه تنها گزینه ممکن در برابر شرایطی بوده که به‌طور فزاینده‌ای غیرقابل تحمل شده بود.

حداد در مورد تأثیر این تفاهم بر رفع تحریم‌ها، به‌ویژه در حوزه نفت و انرژی، اظهار داشت: تحقق هر توافق پایدار مستلزم کاهش بی‌اعتمادی و تعریف سازوکارهای پاداش متقابل است. او افزود: در این چارچوب، مدل «اقدام متقابل گام‌به‌گام» می‌تواند مبنای همکاری قرار گیرد. او ادامه داد: در چنین مدلی، هر اقدام مثبت از سوی یک طرف با پاسخ متقابل طرف دیگر همراه می‌شود تا به‌تدریج اعتمادسازی و همکاری پایدار شکل بگیرد. در غیر این صورت، هرگونه امتیاز اولیه صرفاً نقش مشوق کوتاه‌مدت خواهد داشت و اثرگذاری بلندمدت نخواهد داشت. شواهد موجود نشان می‌دهد نه اراده‌ای جدی برای تغییر رویکرد کلان وجود دارد و نه سطح اعتماد متقابل به اندازه‌ای است که همکاری پایدار را تضمین کند. از همین رو، هریک از طرفین تلاش می‌کنند بیشترین امتیاز ممکن را در مرحله آغازین کسب کنند.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: برای طرف ایرانی، این یادداشت تفاهم در بهترین حالت نوعی عقب‌نشینی تاکتیکی محسوب می‌شود، در حالی که طرف مقابل به دنبال دستیابی به یک توافق راهبردی است. حداد در پایان، درباره چشم‌انداز این توافق، اظهار داشت: این تفاهم بیش از آنکه یک تحول ساختاری باشد، فرصتی برای مدیریت تنش و بازسازی ظرفیت‌هاست. هرچند ممکن است به کاهش فشار بر اقتصاد جهانی و ارائه یک دستاورد سیاسی برای طرف‌ها منجر شود، اما در سطح ساختاری تغییر بنیادینی ایجاد نخواهد کرد. دلایل اصلی منازعه همچنان پابرجاست و ادراک تهدید نسبت به ایران، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ادامه دارد. او ادامه داد: هرچند بازنگران کلیدی از جمله اسرائیل نیز ظرفیت و اراده لازم برای برهم‌زدن وضعیت موجود را حفظ کرده‌اند. او در نهایت گفت: این تفاهم می‌تواند نقطه آغاز کاهش تنش‌های عملیاتی باشد، اما به‌سختی می‌توان آن را آغاز یک تحول بنیادین در نقش و جایگاه جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل دانست.

آزمون عقلانیت

جمعه اگر تفاهم امضا شود، نه پایان همه اختلافات و تنش‌های میان ایران و آمریکاست و نه آغاز یک عصر طلایی؛ اما شاید آغاز پایان یک دوره باشد؛ دوره‌ای که برآمده از ناکارآمدی جنگ و تحریم و تنش، برای تسلیم کشوری چون ایران است. جنگ ۱۲روزه و سپس جنگ ۲۰روزه، معادلات را تغییر دادند. پیش از آن، هر دو طرف محاسبات خود را داشتند. ایران گمان می‌کرد می‌تواند با تاب‌آوری و باززدنگی، طرف مقابل را به عقب‌نشینی از مواضع تهاجمی وادارد. آمریکا نیز تصور می‌کرد حملات نظامی، ابزاری کارآمد برای تغییر رفتار یا حتی ساختار قدرت در ایران است. اما میدان، روایتی دیگر را رقم زد. ایران شکست نخورد و آمریکا هم پیروز نشد. این نتیجه پرهزینه، خود بهانه‌ای شد برای بازگشت به دیپلماسی و دادن فرصت به میز مذاکره. هرچند پاک‌آیین تأکید کرد بی‌اعتمادی عمیق، هنوز بزرگ‌ترین مانع است و حداد، این تفاهم را نه انتخابی مطلوب، که تنها گزینه ممکن در برابر شرایطی غیرقابل تحمل توصیف کرد. اردستان هم معتقد است: «در ۴۸ سال گذشته یک رابطه بی‌اعتمادی عمیق میان ایران و آمریکا شکل گرفته و این دیوار بی‌اعتمادی به‌تدریج پاید سست شده». هر سه با وجود اختلاف‌نظرها، بر یک نکته اتفاق نظر دارند: این بار، تفاوت در نگاه است؛ نگاه‌ای که می‌گوید: «صلح، اصالت دارد و جنگ، استثناء». اما نباید فراموش کرد این تفاهم، همچون بگرام، در برابر تغییرات سیاسی آسیب‌پذیر است. آمریکا با روی کار آمدن هر دولتی، می‌تواند مسیر را عوض کند و ایران نیز با تغییر رویکردهای داخلی، ممکن است پشیمان شود. ازهمین‌رو، بزرگ‌ترین چالش، نه انقضای روز جمعه، که روزهای پس از آن است؛ روزهایی که دو طرف باید نشان دهند آیا ظرفیت عبور از یک توافق موقتی به سمت یک تفاهم پایدار را دارند یا خیر.

در این میان نباید از نقش بازیگران سوم غافل شد. اسرائیل، به عنوان مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه، تمام‌قد در برابر هرگونه نزدیکی تهران و واشینگتن خواهد ایستاد. لابی‌هاب قدرتمند در کنگره، بخشی از ساختار قدرت در آمریکا هستند که هر توافقی را با چالش‌های جدی مواجه خواهند کرد. از سوی دیگر، رقبای منطقه‌ای ایران، هر تغییر در موازنه قدرت را به نفع خود مصاهره خواهند کرد. این پیچیدگی‌ها، مسیر پیش‌رو را نه‌تنها آسان، که بسیار دشوارتر از آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد، ساخته است. روز جمعه، بیش از امضای یک سند، آزمونی است برای عقلانیت؛ هم در ایران و هم در آمریکا. آیا می‌توان از این آزمون سربلند بیرون آمد یا بار دیگر، تاریخ خود را تکرار خواهد کرد؟ پاسخ نه در متن تفاهم، پشت درازده دو طرف برای بستن گردنشان است‌ها‌ها‌کی‌نه و سوهنظ نهفتن است. باشد که این‌بار خرد بر احساسات و آینده بر گذشته پیروز شود.

شرح روزانه

خبر

سیدحسن خمینی:

بایداز نزاع‌های بی‌حاصل دست بکشیم
آیت‌الله سیدحسن خمینی با تأکید بر اینکه «باید از نزاع‌های بی‌حاصل دست بکشیم» گفت: ملتی که از روز تولد نام سیدالشهدا(ع) را بر زبان دارد و حیات با ظالمین را جز خسارت نمی‌داند، در خون او استقامت وجود دارد. ما در جنگ اخیر به پیروزی رسیدیم و در آن تردیدی نیست، آیت‌الله سیدحسن خمینی پیش از ظهر دیروز در دیدار وزیر و کارکنان وزارت جهاد کشاورزی در حرم امام طی سخنانی با اشاره به جنگ اخیر گفت: روزهای بزرگی را پشت سر گذاشتیم. آیندگان راجع به اتفاقی که افتاد و با هدف قراردادن رهبری که ستون خیمه انقلاب بودند شروع شد، سخنها خواهند گفت. شاید در خوش‌بینانه‌ترین حالت هم کسی فکر نمی‌کرد انقلاب بدون ایشان بقا داشته باشد؛ اما این دوره گذشت. در این دوره سخت و طاقت‌فرسا، در کنار عملکرد معجزه‌آسا، توکل به خدا و روحیه ایثار نیروهای مسلح و آغوش باز آنها برای شهادت، یکی از بخش‌های درخشان کشور نظام اداری کشور و به‌خصوص وزارت جهاد کشاورزی بود.



او افزود: تمام مغازه‌ها پر از جنس بود و یک جاسخ از کمبود مطرح نشد. روحیه بزرگ مردم ایران باعث شد در کالاهای اساسی و غیراساسی کمبودی مطرح نشد. این در حالی است که در تمام کشورها علاوه بر خود جنگ که وحشت برمی‌انگیزد، کمبودها یک مسئله اساسی است. خدا رحمت کند رهبر شهید را که در آخرین سخنرانی خود گفتند از ناو خطرناکتر آن وسیطله‌ای است که ناو را به قعر دریا می‌فرستد. خیلی‌ها فکر کردند منظور ایشان موشک بود، بلکه مقصود ایشان اراده بود. در نتیجه، ناوی که می‌خواست ما را زمین‌گیر کند، خودش به گل نشست. آمده بودند بکشند و تجزیه کنند و بروند یا شاید هم نروند، اما پشت اراده سستبر مردم ایران ماندند. ما این اراده را از این مرد بزرگ داریم که به ما آموخت ایرانی‌بودن و مسلمان‌بودن هزینه دارد، اما نتیجه هم قدر می‌دهد. رهبر شهید ما گفتند آنهایی که فکر می‌کنند ایستادن هزینه دارد، بدانند که دست دشمن را بوسیدن هزینه بیشتری دارد. یادگار امام با بیان اینکه می‌توانم نیز این درس را از سیدالشهدا(ع) آموخته بود، افزود: ملتی که از روز تولد نام سیدالشهدا(ع) را بر زبان دارد و حیات با ظالمین را جز خسارت نمی‌داند، در خون او استقامت وجود دارد. ما در جنگ اخیر به پیروزی رسیدیم و در آن تردیدی نیست، امروز هرکس با سخت‌ترین متر و معیارها هم محاسبه کند، ملت ایران را در این جنگ پیروز مطلق می‌داند. آیت‌الله سیدحسن خمینیرا در سخنانش دیگر از بخشایش درباره پیامبر(ص) گفت: بعد از یک جنگ که وقت تقسیم غنائم و شهرت‌ها بود، فرمودند: «وقت جهاد اکبر است». یادگار امام با

توضیه به «خدمت بیشتر» توسط مسئولان در دوران پس از پیروزی، یادآور شد: تسبیح لفظی نگوییم، تسبیح عملی کنیم که در گرو عبور از منیت‌هاست. امام هم یک بار گفتند: «من را نمی‌شود باذ داد! دعوی خود من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است». تسبیح واقعی در گرو عبور از نزاع‌هاست. پیروزی ما به خاطر خون‌های پاک که ریخته شد و نام‌های مبارکی بود که بر زبان داشتیم. حفظ این نعمت در گرو عبور از نزاع‌های بی‌حاصلی است که نتیجه منیت‌هاست. تمام آن ۳۹ روز جهاد اصغر بود و از این به بعد جهاد اکبر است که آن را باید از خودمان شروع کنیم. آنکه در مقابل مردم افتاده‌تر می‌شویم و نتایج بیش از حد تصووری را از کارها می‌گیریم. ما را محاصره دریایی کردند، اما به گفته وزیر جهاد کشاورزی با تدبیر از آن عبور کردیم. درحالی‌که این کار غول‌های بزرگ دنیا را می‌تواند زمین‌بزند، اما ظرفیت جمهوری اسلامی و مردم ایران بسیار بالاتر از ثمراتی است که از این مجموعه می‌گیریم. او در پایان با اشاره به استقامت پیامبر(ص) بر همراهان سست‌گرفت، تصریح کرد: اگر می‌خواهیم به پیروزی برسیم، باید یک جامعه استقامت کند. این ایام نشان داد وقتی همه با هم استقامت کردیم، به نتیجه رسیدیم، پس، پیروزی یعنی «همه با هم» که در عنوان جهاد سازندگی درج شده است.